

عبدالخالق نبوی

نخستین دستور گردآوری فرهنگ مردمی

در جریان خودشناسی هر قوم و در تعیین تاریخ هر نوع دانش، رجوع به آغازگاه آن خیلی مهم است. دهه اخیر اهل علم و ادب تاجیک در زمینه خودشناسی کاری خیر را آغاز کرده، به پژوهش صفحه‌های تاریخ و به فراموشی سپرده تاریخ فرهنگ نو تاجیکی توجه بیشتر ظاهر کرده‌اند. این عمل نیک، بی‌شک به مقتضای استقلال جمهوری تاجیکستان می‌باشد، زیرا محض در همین دوره شرایطی فراهم آمد که ما به گذشته زندگی مردم و تاریخ شکل‌گیری فرهنگ ملی خویش بیشتر توجه کرده، در ارزیابی نمونه‌های آن، از هر گونه هدف محدود سیاسی پرهیز کنیم و بر این اساس، واقع‌بین و منصف باشیم. این وضع مساعد امکان می‌دهد که به تحقیقات گذشته نیز بازنگری کرده، جهات محدود آنها را کامل و نارسایی‌ها را اصلاح نموده، بسیاری از صفحه‌های این علم را که از روی غرضهای سیاسی ناعادلانه نادیده گرفته می‌شد و یا خط بطلان کشیده شده بودند، از نو به بررسی‌های علمی کشیم و برای افرادی که در این روند سهمیم بوده‌اند، مقام و منزلت واقعی خودشان را برقرار سازیم و خلاصه کلام، به قدر امکان روند رشد و ترقی ادبیات و هنر و علم و فرهنگ کشور را خالصانه و سالم نقد و بررسی نموده، به همین وسیله رعایت انصاف تاریخی را در ذهن و افکار اهل جامعه جا کرده باشیم.

بنابراین، امروز برای ما اهل علم لازم است که هنگام رجوع به تاریخ، کوشش کنیم تا حقیقت واقعی زمان را به اصلش نزدیک، بلکه چنان که بود، توضیح دهیم و مقام پژوهشگران اصیل را که به حماقتهای سیاسی نگاه نکرده، در بنیادگذاری علم زمانی فیلولوژی

تاجیک سهم بوده‌اند، بی‌غرضانه معین نماییم و برای تکرار نشدن پدیده سیاست‌زده ساختن علم به دست هموطنان خود، پژوهش‌های واقعی عبرت‌بخشی داده باشیم.

از روی انصاف باید اقرار کنیم که محض در سالهای برقراری حاکمیت شوروی پژوهش علمی زبان و ادبیات و فرهنگ مردم تاجیک و عموماً فارسی‌زبانان در تاجیکستان با استفاده از دستاورهای علم جهانی به تنظیم درآمد، مؤسسات علمی تشکیل یافت، طرح‌های پژوهشی ترتیب داده شد و نتیجه‌های خوبی نیز به دست آمد. ولی این همه تدابیر تخصصی در حدود سیاست حزب کمونیست اجرا می‌گردید و بدین علت در جریان عملی شدن آنها در اغلب موارد نتایج خوب یا بد می‌داد. دقیق کردن حدود این نیک بد از وظایف مهم تجدید نظر به تاریخ علم و فرهنگ زمان شوروی تاجیک به شمار می‌رود. اما اکنون ما به جای این کار، بیشتر به تنقید و مذمت آن ایام مشغول هستیم و تجدید نظر را به نکته‌گیری و افشاگریهای مغرضانه تبدیل کرده‌ایم. برخی از علمای جوان خود یک صفحه از آن تاریخ نخوانده، یا از روی تألیفات دیگران و یا به نقل قولها کفایت کرده، به تقلید از افراد سیاست‌زده، به جای قضاوت علمی، خیلی آسان به مذمت (و حتی گاهی به تحقیر) گذشته می‌پردازند. امروز وقت آن فرا رسیده است تا با فضای تحقیقاتی سالم، منصفانه به وقایع گذشته بازنگری کنیم.

یکی از کسانی که در تاریخ بیش از هفتاد سال دوران شوروی گرفتار همین‌گونه غرضهای سیاسی و شخصی گردیده، نذرالله بیکتاش (۱۹۰۰-۱۹۳۸) است. در این باره نگارنده به طور مستقل پژوهشی مفصلی انجام داده است^۱، اما در اینجا به همین قدر اکتفا می‌نماییم که نذرالله بیکتاش یکی از نخستین علمای تاجیک است که در رشد علم فیلولوژی ما سهم عمده داشته است. افزون بر این، بیکتاش در این روند نقش سروری را داشته است. وی از نخستین اعضای شورای علمی تاجیکستان (۱۹۲۷)، مدیر بخش علم کمیسیاریات معارف جمهوری (از سال ۱۹۲۸)، رئیس کمیته تاجیک‌شناسی و سروری بخش فیلولوژی نخستین

مؤسسه علمی، یعنی انستیتوی تحقیقات علمی تاجیکستان (۱۹۳۰-۱۹۳۲) را به عهده داشته است. وی به عنوان یکی از اولین مدرسان دانشگاه‌های عالی تاجیک - دارالمعلمین تاشکند، استاد زبان و ادبیات فارسی تاجیکی انستیتوی شرق‌شناسی تاشکند و بعدها دانشگاه آموزگاری دوشنبه (سالهای ۱۹۳۱-۱۹۳۷) در تربیت روشنفکران تاجیک سهم گذاشته است. استادان میرزا تورسون‌زاده، ساتم الوغ‌زاده، ب. نیازمحمداف، ب. اسکندراف و خیلی از کسان دیگر از شاگردان وی در دارالمعلمین به شمار می‌آیند.

مهمتر از همه، بیکناش در شکل‌گیری و رشد و پیشرفت رشته‌های مختلف زبان‌شناسی: علم آواشناسی، لغت‌نویسی، اصطلاح‌گزینی، املا، نظریه تکوین زبان، زبان ادبی و گفتگو؛ ادبیات‌شناسی: پژوهش تاریخ ادبیات، نقد ادبیات معاصر، وزن شعر فارسی - تاجیکی؛ تحقیق ادبیات عامه (فولکلور)، تألیف و تنظیم کتابهای درسی، ترجمه بدیعی، پژوهش موسیقی کلاسیکی تاجیک «شش‌مقام» و عموماً فرهنگ تاجیکی آثاری ارزشمند تألیف نموده، کارهای علمی زیادی را به انجام رسانده است.

اصول تحقیق وی در مسئله‌های شناخت زبان عمیق و سالم است، ولی در پژوهش مسایل ادبیات به تقاضای سیاست فرهنگ حزب کمونیست از بررسیهای درشت اجتماع‌گرایانه برکنار مانده، نتوانسته است. عموماً هم در پژوهشهای علمی و هم در افکار سیاسی، به تقاضای زمان مرکب مبارزه‌های فکری سالهای ۲۰-۳۰ در جامعه آن روزگار شوروی، گاهی هم به شیب و فرازهای عقیدتی گرفتار بود، ولی همین چیز دقیق است که بیکناش از بنیادگذاران علم فیلولوژی تاجیک به شمار می‌آید و هم به صفت یک شخص هوشیار و بیدار، ابتدا در خفا و بعدها خیلی آشکار همیشه در مقاومت با سیاست فرهنگی شوروی قرار داشت. به همین سبب بود که او را خیلی زود (سال ۱۹۳۳) به جرم «دشمن خلق»

مدتی حبس کردند و سالهای ۱۹۳۷-۱۹۳۸ یکی از اولین افرادی بود که ماشین خون‌آشام ترور استالینی او را به کام خود فرو برد.

در این مقاله کوشش شده تا توجه خوانندگان محترم را تنها به یکی از تألیفات دستوری بیکتاش با عنوان «در بارهٔ غن (جمع) کردن ادبیات دهنکی (شفاهی) خلق» معطوف کنیم که گواه مایهٔ علمی و آگاهی او از مسائل فولکلورشناسی نوین است.

توجه به تحقیق فولکلور تاجیک از جانب محققان شرق‌شناس از سال ۱۸۷۲ آغاز شد و در شهرهای تاشکند، مسکو، پیتربورگ و قازان صورت گرفت. طبق پژوهش یکی از فولکلورشناسان م. نعمت‌اف، در سالهای ۷۰ قرن ۱۹ میلادی راجع به فولکلور تاجیک شش تحقیق انجام شد که در سالهای ۸۰ تعداد آن به ۱۳ کتاب و مقاله می‌رسد. عموماً از سال ۱۸۷۲ تا آغاز سال ۱۹۲۰ تعداد عمومی پژوهش و طبع و نشر فولکلور تاجیک که در مسکو، پیتربورگ، تاشکند، قازان، سمرقند، کلکته و استراسبورگ انجام یافت، از ۷۷ نگذشته است. در واقع، تحقیق و انتشار ایجادیات شفاهی (نظم و نثر شفاهی) خلق در سالهای بیست، در زمان شوروی وسعت یافت. در سالهای ۲۰ تعداد تحقیق و چاپ به ۶۰ اثر می‌رسد و شهر دوشنبه شامل مراکز تحقیق فولکلور تاجیک می‌شود. سهم شهر سمرقند نیز در این تحقیقات افزوده می‌شود. در سالهای ۳۰ دوشنبه مقام اول را در طبع و نشر و تحقیق فولکلور به دست می‌آورد. از ۳۵۹ تحقیق، ۲۴۳ پژوهش در دوشنبه انجام داده می‌شود.^۲

در ارتباط با مقالهٔ مذکور همین را می‌توان گفت که آن دستورالعمل کارمندان علمی انستیتو تحقیقاتی علمی و کمیتهٔ تاجیک‌شناسی گردید و با سروری رئیس کمیته، بیکتاش همهٔ کارمندان علمی، از جمله نویسنده جلال اکرامی، ت. ذهنی، ب. عزیز، مرادزاده و دیگران در تمام مناطق تاجیکستان به گردآوری ایجادیات شفاهی مشغول گردیدند و در این راستا نیز محققان

محلی نیز جذب شدند. در عین حال، به تشکیل بنیاد فولکلور تاجیک اساس گذاشته شد که بعدها (سال ۱۹۳۳) مواد آن را به شعبه تاجیکستانی آکادمی علوم اتحاد شوروی انتقال دادند.

برای آن که صفت کیفی مواد گردآوری شده ایجادیات شفاهی مردم به ریاست ن. بیکتاش و درجه علمی آن معین گردد، اقتباسی از ترجمه اثری از محقق روس ا. سالی می‌آوریم که اواخر سال ۱۹۳۱ برای برگردان آثار ادبیات و فرهنگ تاجیکی به روسی و ترجمه از زبان روسی به تاجیکی و عموماً مساعدت به کار ترجمه و تربیت مترجمان به تاجیکستان آمده بود. وی از جمله می‌نویسد: «فهرست موجود در فولکلور شعبه تاجیکستانی آکادمی بسیار غنی‌تر از آن است که تصور می‌شد. با وجود این، گستره کاربرد آنها این امکان را می‌دهد که در آینده نزدیک به ترجمه برخی از آنها شروع کرد».^۲ به نظر ما، علت چنین نتیجه‌گیری خوب، البته از وجود یک دستورالعمل خوب علمی و تشکیل کار بانظام در گردآوری ایجادیات شفاهی مردم آغاز می‌شود.

ذکر این نکته بجا خواهد بود که به جز چند نکته در خصوص مسائل سیاسی و ایدئولوژی در مقدمه دستورالعمل که بیکتاش به عنوان شخصی رسمی موظف به ذکر آنها بود، در تمام متن اساسی حتی یک جمله هم در زمینه مسائل سیاسی به چشم نمی‌خورد. چنان که نگارنده این مقاله بارها یادآور شده، در تحقیقات اصیل و صرف علمی، هیچ‌گاه سیاست بر علم نچربیده است، بلکه نظر جدی علمی سد راه قضاوت‌های آمیخته به سیاست می‌شد و یا حداکثر آهنگ آن را کند می‌کرد. به فکر اینجانب، همان تحقیقات اجتماعی بیکتاش همیشه اساس قوی علمی داشت و هیچ‌گاه به آثار نویسنده از دیدگاه سیاسی و فکری نکته‌گیری نشده است. در این مقاله نیز پیش از همه، از اهمیت علمی و عملی آموزش فولکلور یک خلق سخن می‌رود. بنابر این، هنگام ارزیابی و نقد آثار علمی آن سالها، بررسی علمی را باید از قضاوت‌های صرف فکری و ایدئولوژیکی جدا نمود. در ذیل، مقاله مذکور ن. بیکتاش که در روزنامه

«تاجیکستان سرخ»، ۱۵ دسامبر سال ۱۹۳۰ (شماره ۲۷۹) به طبع رسید و نخستین دستورالعمل گردآوری فولکلور به شمار می‌آید - اما چرا در هیچ یک از تحقیقات فیلولوژی از آن یاد نمی‌شود - منظور نظر خوانندگان می‌گردد.

کمیته مرکزی تاجیک‌شناسی کمیسریات معارف خلق تاجیکستان:
در بارهٔ عن (جمع) کردن ادبیات دهنکی (شفاهی) خلق

درآمد

ادبیات دهانکی (شفاهی) خلق یک بخش بزرگ و مهم موادی است که برای کشورشناسی استفاده می‌شود. این گونه علمی و باشعورانه آموختن کشورشناسی خلقی که در آن زندگانی می‌کند، عموماً در مملکت‌های شرق، خصوصاً در سرزمین ما بسیار هم تاریخ طولانی ندارد. هر چند ۳۰-۴۰ سال قبل از این، چنین حرکتی در مؤسسه‌های گوناگون علمی و سیاسی اروپا آغاز شد. اگر در دورهٔ پادشاهی روسیه، در بنیاد شرق‌شناسی روند و مقصد میسیونری (تبلیغ دینی)، جهانگیری و سیاست مستملکه‌ای نهاد شده باشد، امروز مقصد از شناخت کشور و خلقهای آن آسان و تیز کردن ترقی فرهنگی و ساختمان سوسیالیستی می‌باشد. در خاک ما آن قدر خلق‌های گوناگون زندگی می‌کنند و به زبانهای گوناگون گفتگو می‌نمایند که هر کدام ضیائیان (روشنفکران) ما، حتی موجود بودن بسیاری از آنها را نمی‌دانند. این چنین سوئیه فرهنگی این مردم از همدیگر خیلی فرق می‌کند که از نقطه نظر طرز زندگی و واسطه‌های تولید در زینه‌های (مراتب) گوناگون رشد و ترقی اقتصادی می‌ایستند. حال آن که مقصدی که همهٔ این خلق‌ها عموماً در نزد خود گذاشته‌اند، یگانه و تماماً برپا نمودن ساختمان سوسیالیستی است.

برای به وجود آوردن این مقصد یگانه، بسیار بالا بردن سویه فرهنگی خلق اتحاد را ضرور است. چنان که معلوم می‌شود، پست و بالا بودن سویه فرهنگ خلق اتحاد در راه پیشرفت ساختمان سوسیالیستی مانع می‌شود. ما به هر واسطه باید کوشش کنیم که سویه خلق پست‌مانده تا به درجه مرکزی رسد. برای این (من از اهمیت عمومی کشورشناسی بحث نمی‌کنم) نسبت به هر خلق، یعنی ساختمان اجتماعی، سویه فرهنگی و اقتصادی هر خلق را جداگانه به نظر گرفته، هر گونه نزدیک شدن و اصول کار را مطابق همان درست کردن لازم می‌آید. حیات و زندگی و حالت روحی که در نتیجه آن به میدان آمده است، عادت، دین و عنعنه‌های (سنت‌های) گوناگونی که در مؤسسه‌های علمی کهنه است، در تربیت نسل آینده تأثیر بزرگی را دارد و امروز هم در پیشرفت کارهای ساختمان مانع می‌شود. غیر از این، این حوادث هر چند در دوره معین رشد اقتصادی در همه مملکت و خلق عین سنجیه را داشته باشند هم، باز از خصوصیت‌های محلی خالی نیستند. این خصوصیت‌های محلی بعضاً به درجه‌ای می‌رسد که در عین دوره و سویه اقتصادی، در دو مملکت، دو حادثه مستقل به نظر می‌نمایند. تا امروز بسیاری از عالمان شرق‌شناس، که موجود بودن یک واسطه تولیدی جداگانه مخصوص آسیا را (حال آن که فنودالیسم چه در شرق و چه در غرب یک است، تنها خصوصیت‌های ملی دارند) دعوا می‌کردند، به همین خصوصیت‌های محلی فریفته شده، سهو کرده بودند.

این است که ما برای معین کردن اصولهای مبارزه در راه ساختمان سوسیالیستی و برای معین کردن راههای رشد فرهنگی خلق اتحاد، برای تیز و آسان کردن این وظیفه‌ها مجبوریم که هر خلق را جداگانه جستجو کنیم و همه هستی او را خواه مادی و خواه معنوی، به میدان برآیم. بی این، کار کردن دشوار است.

یکی از موادهایی که ما در هنگام آموزش تحقیق می‌کنیم، همین ادبیات دهنکی (شفاهی) خلق است. ادبیات دهنکی خلق (یعنی داستان، اشوله (ترانه‌خوانی محلی بیشتر معمولاً به همراه دوتار)،

افسانه، ضرب‌المثل، چیستان، موسیقی و هکذا) به ما از آرزو، الم، امید و هیجانهای تاریخی خلق درک (خبر) می‌دهند. سبب‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی آنها را به پیش ما گشاده می‌پرتاید. بنابر این، آموختن ادبیات دهنکی (شفاهی) خلق، از یک طرف، برای اجتماعیات‌چیان و سیاست‌چیان لازم باشد، از طرف دیگر، برای ادبیات‌چیان و زبان‌شناسان در کار (لازم) است. حیات معنوی یک خلق را نشناخته ایستاده، به آن راهبری اجتماعی و سیاسی کردن چه قدر دشوار باشد، ادبیات دهانکی و زبان او را که قرن‌ها باز کار کرده و سفته شده آمده است، درست نشناخته، صاحب زبان ادبی حیاتی شدن، یا که نظریات و اصولهای ادبی موافق به وجود آوردن همان طریق هم ناممکن است.

خصوصاً، همین را دوباره قید کردن لازم است که ادبیات دهنکی تاجیک و آموختن آن با خزینه و ذخیره‌های خودش، خصوصاً در بخش زبان، کارهای پیش بردن انقلاب فرهنگی ما را خیلی آسان می‌نماید.

این احتیاج (یعنی آموختن ایجادهای مادی و معنوی خلق) را کارگران سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ما امروز حس کرده ایستاده‌اند. به وجود آمدن کروژاک (محفل) و کمیته‌های گوناگون این حقیقت را دوباره تصدیق می‌کنند. در این بخش از هر گوشه ابتکارهای جدی دیده شده ایستاده است. رفیقان جداگانه‌ای که در این بخش درست به کار سر (آغاز) کرده‌اند، دیده می‌شوند. لیکن این ابتکارهای جداگانه، همه طلباتی که آموزش علمی نهاده است، یکباره در آغوش نمی‌کنند. از بسیار موادهایی که در دست رفیقان جداگانه دیده می‌شود، استفاده کلی کردن ممکن نیست، تنها یک طرف مسئله را آموخته، جهت دیگرش می‌ماند. مثلاً یک قسم افسانه‌ها که امروز از محل‌ها به دست ما می‌درآید، تنها از جهت مندرجه قیمت‌ناک بوده، از جهت شکل و خصوصیت زبان (چه در صوتیات و چه در کلمه و جمله‌سازی) هیچ چیز نشان نمی‌دهند. این حادثه بسیارتر نتیجه نبودن یک راهبری و دستورالعمل علمی است.

کمیته تاجیکستانی همین احتیاج را به نظر گرفته، برای تشکل کردن و در تحت یک دستورالعمل گرفتن ابتکارهای جداگانه عامه، یک قطار (مجموعه) دستورالعمل و پروگرامها (برنامهها) نشر کردن را ضرور دانست. تعلیمات زیرین هم یکی از همانهاست.

کمیته تاجیکستانی که در نزد کمیسریای معارف خلق تاجیکستان تشکیل یافته است، امید کامل دارد که کارکنندگان محلی و قوههای علمی دیگر که در همین بخش ابتکار دارند، با ما دست به دست گرفته، کار می کنند و در کارهای ما یارمندی می رسانند.

ادبیات دهنکی خلق را چگونه نوشتن لازم است؟

۱- در نوشتن ادبیات خلق حالتی زیرین را در نظر گرفتن لازم است:

۱- داستان، اشوله، افسانه، ضرب المثل و چیستانهایی که نوشته می شوند، به کدام شیوه یا لهجه تاجیک شنیده شود (بخارا، سمرقند، خجند، گرم، درواز و غیره...) در همان شیوه نوشته میشود. ساخت جمله، تعبیر و لغتهایی که مخصوص همان محل (شیوه) است، باید ویران نکرده (چگونه که تلفظ کرده می شود، همان گونه) نوشته شود. مضمون و مندرجه او را اصلاً ویران کردن ممکن نیست. هر چه که باشد، عین آن را نوشتن در کار.

۲- اگر نویسنده بعضی از کلمه های آنرا نفهمد، باید که معنی او را پرسیده، به یک

دفترچه مخصوص نویسد.

۳- وقتی که خواننده، گوینده، حکایت می کند، یا که می خواند، میان سخن او را شکستن

و هر گونه خودوک رسانیدن (مزاحم شدن) درست نیست. باید نویسنده یک دفعه با دقت تام شنود و بعد از آن نویسد.

هر گاه، اگر شنوندگان دیگر برای دلبرداری (تحسین) گوینده، یا که خواننده و یا اینکه از

تأثیر اشوله بی اختیارانه هر گونه صدا بر آرد، مانند: «ای وای»، «سلامت!»، «آفرین!» و غیره، مانع شدن در کار نیست، بلکه در موقع خودش همان گونه نداها را نیز قید کردن (نوشتن) لازم است.

۴ - نویسنده داستان، افسانه، یا که سرود و هکذا را برابر (هنگام) سر (شروع) کردن گوینده، به نوشتن سر نکند؛ یک دفعه سر تا پا شنویده، با مضمونش تماماً آشنا شده، دوباره به نوشتن سر کردن ضروری است. زیرا که بسیار وقت گوینده نوشته شدن سخنش را فهمد، داستان خود را به خلاصه کردن کوشش می‌کند.

۵ - اگر نویسند شبهه کند، که بعضی جایهای داستان یا که اشوله را نادرست نوشته است، یا که مانده گذشته است، باید داستان یا که اشوله (یا هر چیزی که باشد) را دوباره شنویده، کور (پاک، نیست) نکرده، معلومات ثانی گرفته‌اش را در یک گوشه دفتر رقم مانده قید می‌کند.

۶ - داستان، افسانه، اشوله و غیره را که نوشته شده‌اند باز از دهان آدمان دوم و سوم هم نوشته گیرد، بسیار خوب می‌شود.

۷ - سخنهای کتابی که در گفتگوی خلق به کار برده می‌شوند نیز نوشته می‌شوند.

۸ - مقامهای (آهنگ) اشوله را یاد گرفتن و ممکن باشد با نِت نوشتن گرفتن لازم است.

۹ - اگر موجود و ممکن شود، با واسطه منوگرافی و استینوگرافی کار کردن لازم است.

۲ - ... از دهان کی نوشته می‌شود؟

۱۰ - داستان، افسانه، ضرب‌المثل، چستان، متل، اشوله و هکذا از هر کسی که می‌داند (خواه کلان، خواه بچه، مرد و زن) نوشتن ممکن است.

۱۱ - بسیارتر از دهان آدمان بی‌سواد نوشتن ضرور است.

۱۲ - اگر در قشلاق (یا که در موضعی) آدمان افسانه‌گو، شاعران مشهور خلق باشند، آنها را سراغ کرده، یافتن و از دهان آنها نوشتن ضرور است.

۱۳ - آدمانی که خودشان شعر، چستان، و مانند اینها را ■■■ ایجاد می‌کنند، یافتن و از دهان آنها نوشتن لازم است.

- ۱۴ - هر چیزی که به ادبیات خلق عاید (مربوط) است: خواه داستان (منظومه)، خواه چیستان، خواه افسانه، یا هر چیزی که باشد، بی‌استثنا نوشته می‌شود.
- اگر گوینده همان داستان را چله (ناقص) داند، یا که از خاطرش فراموش کرده باشد، از همان آدم پرسیدن لازم است که کدام کس بهتر می‌داند و هیچ نباشد، نام و مضمون همان چیز را پرسیده، در دفتر قید کردنش ضرور است.
- ۱۵- اگر بعضی داستان، اشوله... در یگان جای بسیار پهن شده باشد (مانند شورش واسع، عبدالله‌جان و هکذا) از یک چند آدم پرسیده، تکرار تکرار نوشتن و در حق همان چیز روایت‌های گوناگون جمع کردن لازم است.

۳- در باره چیزهای نوشته شدگی چه معلومات داده می‌شود؟

- ۱۶ - نشان داده شود، که از دهن کی شنویده و نوشته شده است (مرد، زن؛ کلان، بچه).
- ۱۷ - این داستان، اشوله و هکذا... از دهان هر کسی نوشته شده باشد، ترجمهٔ حال کوتاه آن لازم است. و قیدهای زیرین داخل می‌شود:
- در کجا تولد و کلان شده است، سن و سالش، کسب، حالت جسمانی (کور، کر، چلاق، منقّه کسی که تودماغی حرف زند) و هکذا، معلوماتش (سوادناک یا که بی‌سواد) اگر سوادناک باشد در کجا خوانده، کدام مکتب را کدام وقت تمام کرده است.
- ۱۸ - از افسانه‌گوی، اشوله‌چی و غیره پرسیدن لازم است که همان چیز گفتگی‌اش را از کجا یاد گرفته یا که شنیده است (بلکه از کتاب گرفته است). این گونه سؤالها را بعد از تمام نوشته گرفتن همان افسانه، اشوله... سؤال دادن و جواب گرفتن لازم است.
- ۱۹ - نام محل: قشلاق (روستا)، ریان (ناحیه) و غیره که همین افسانه، اشوله، ضرب‌المثل، داستان، و دیگر... نوشته شده است، مفصل نشان داده شود. حتی همین قدر که از راه آهن، از شهر و از آبهای کلان مشهور چه قدر دور بودن آن نیز قید کرده می‌شود.

- ۲۰ - هیئت ملی و قبیله‌گی همان جای را نشان دادن لازم است. مثلاً غیر از تاجیکان در همان جا کدام ملت‌ها زندگی می‌کنند: روس، ازبک، تاتار، قزاق، ترکمن و هکذا... این چنین هم عرقان (هم‌نژادان) تاجیک، مانند شغنی، یغنایی و دیگر... نیز نشان داده می‌شود.
- داستان، اشوله و غیره که از همان ملت‌ها نوشته می‌شود، باید که در زبان خود همان‌ها باشد.
- ۲۱ - نشان داده شود که مردم همان موضع در کدام دین و مذهب می‌باشند.
- ۲۲ - آدما همان موضع (از روی حکایت و نقل، موی سفیدان و هر کسی که می‌داند) از کی باز (از کدام زمان) در همان جا زندگی می‌کنند؟ کهنه‌اند یا که نو؟ اگر به تازگی آمده باشند، از کجا؟ در اینجا که حاضر هستند، پیش (قبلاً)، کی زندگی می‌کرد، کدام قبیله یا که ملت؟ همان قبیله کجا کوچیده رفت و سبب آمدن اینها چیست؟ یعنی مفصل نوشتن لازم است.
- ۲۳ - مردم همان جای، به جایهای دیگر هم برای کسب و کار می‌روند، یا که نه، اگر روند به کجا، به کدام کار، در کدام فصل و هکذا...
- ۲۴ - روشن نشان داده شود که در همان جای، خلق به کدام کسب و کار زندگی می‌کنند.
- ۲۵ - در همان جای، مکتب هست یا نه (چگونه مکتب: شورایی، یا که کهنه؟). این مکتبها کدام وقت گشاده شده‌اند.
- ۲۶ - در مجلس و اجتماعهای مردم اشوله، سرود می‌خوانند، یا که نه؟ که می‌خواند: ملا، معلم، گوینده‌های خلقی، بی‌بی خلیفه (ملای زن در حوزه‌های دینی) و ... چه خوانده می‌شود: داستانهای خلقی، کتابهای دینی، جنگ‌نامه، گزیته (روزنامه) و ژورنالها (مجله‌ها) ...
- ۲۷ - سال، ماه و چیسله (روز) که همان چیز (داستان، افسانه، اشوله و دیگر) نوشته می‌شود.
- ۲۸ - همان داستان، اشوله... در همان جای که باز معلوم، یعنی که کهنه یا نو.

۲۹- به همین افسانه، ضرب‌المثل، اشوله و چیستان خلق (پیرمردان یا که جوانان) چگونه نگاه می‌کنند: نغز اعتبار (توجه) می‌کنند یا که مزاح و نفرت می‌نمایند؟

۳۰- اگر همین ادبیات خلق (افسانه، اشوله، مرثیه و هکذا...) بایگان عرف و عادت خلق وابسته و مناسبت‌دار باشد (یعنی در طوی (جشن)، عزا یا اینکه در یگان معرکه دیگر مخصوصاً می‌گفتگی باشد) برابر همان اثرها، عادت‌ها و عرفهای وابسته به همان را نیز نشان دادن لازم است. اگر ممکن شود همان عادت و اشتراک‌کنندگانش را به واسطه فتوگراف (عکس) کشیدن لازم است.

۳۱- همان عادت و معرکه‌ها (مراسم جشن و عزا و...) را (آیا) خودتان دیده و نوشته‌اید؟ یا که از یگان آدم (و یا اینکه از یک چند آدم) پرسیده و شنویده نوشتید؟ اگر از یگان آدم شنویده باشید، موافق پاراگراف ۱۷ همان آدم را مفصل نشان دهید و نویسد که وی هم دیده است یا که شنویده است.

۳۲- اگر در باره همان عادت از آلمان بسیار پرسیده باشید، معلومات هر کدام آنها را جداگانه نویسد.

۳۳- بیت، اشوله، چیستان و هکذا... که عاید (مربوط) به یگان عرف و عادت است، در کدام موقع و واقعه‌های همان عادت گفته می‌شود.

۳۴- اگر این بیت، اشوله، چیستان و هکذا در مابین بازی‌ها گفته می‌شدگی باشد، چگونه اجرا شدن همان بازی را مفصل نشان دادن لازم است؟

۳۵- اگر همان بازی‌ها به واسطه لباسهای مخصوص و لختک (عروسک)‌ها اجرا کرده شود، مثلاً: با چپه پوشیدن لباس، نقاب، ریش ساخته، سله‌های خشن و لختک‌ها (به جای بچه یا که دیگری) نیز باشد، مفصل نشان دادن لازم است. اگر ممکن باشد، صورت آنها را با فتوگراف (عکس) گرفتن لازم است.

- ۳۶ - جایی که بازی اجرا می‌شود و هم وقت بازی باید نشان داده شود.
- ۳۷ - اشولله‌هایی که شما نوشته می‌گیرید، در کدام وقتها خوانده می‌شوند، پگاهها (صبح‌ها)، بیگامی‌ها (عصرها)، در وقت کار یا که دیگر... مفصل نشان داده شود.
- ۳۸ - معلومات نویسد که همان داستان، اشولله و هکذا به شنوندگان چگونه تأثیر می‌کند.
- ۳۹ - صاحب‌خانه همان اشولله‌چی، داستان‌چی‌ها را چگونه پیشواز می‌گیرند، ضیافت می‌کنند؟ در این ضیافت چه‌ها می‌دهند: جامه، پول، اسب و هکذا...
- کمیته تاجیک‌شناسی غیر از این تعلیمات عمومی در باره چگونه نوشته شدن نوعهای ادبیات خلق جداگانه پروگرام (برنامه) و دستورالعمل‌ها نشر خواهد کرد. اینچنین (همچنین) درباره چگونه کار کرده برآمدن این ماتیریالهای (موادهای) هر گونه مقاله‌ها نشر می‌کند. تنها اشتراک عمومی معلمان و ضیائیان (روشنفکران) باسواد و قوه عامه را در اطراف این کار جلب کرده توانستن آنها ضرور است.

رئیس کمیته تاجیک‌شناسی

بیکناش

پی‌نوشتها:

۱ - نی‌اف‌ع. - «نذرالله بیکناش و علم و ادب تاجیک»، دوشنبه، نشریات عرفان، ۲۰۰۴؛ نامه پژوهشگاه،

شماره ۲.

2- М.Неъматов. Таджикская фольклористика (Опыт количественного анализа библиографии), АКД, Душанбе, 1972, стр. 12, 13 - 14.

۳ - ا. ا. سالی. - «انجمن نویسندگان عمومی اتفافی و وظیفه‌های نویسندگان تاجیکستان»، تاجیکستان

سرخ، ۱۱ اکتبر سال ۱۹۳۳.